



# نظرات جمعیتی کمیسیون های تخصصی در خصوص تدوین لایحه اصلاح

## قانون اجرایی سیاست های کلی اصل ۴۴



عنوان گزارش: نظرات تجمیعی کمیسیون های تخصصی در خصوص تدوین لایحه اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴  
انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران  
شماره گزارش: ۱۹۰۰۱۱  
بهار ۱۴۰۰

## فهرست

۳	کمیسیون حقوقی و حمایت های قضایی و مقرراتی
۱۲	کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات

## کمیسیون حقوقی و حمایت های قضایی و مقرراتی

**\*دیباچه - آشنایی با اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست های کلی نظام، با سوابق و زمینه های تصویب و ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴**

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس خبرگان قانون اساسی که در سال ۱۳۵۸ و از طریق انتخابات تعیین شده بودند، تدوین شده و سپس به همه پرسى گذاشته شد. این قانون در سال ۱۳۶۸ توسط شورای بازنگری قانون اساسی، مورد تجدید نظر قرار گرفت و مجدداً به همه پرسى گذاشته شد. اصل ۴۴ قانون اساسی جزء اصولی بود که در سال ۱۳۵۸ وضع شده و در سال ۱۳۶۸ هم بدون تغییر باقی ماند.

متن کامل اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح زیر است:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.»

### **\*تاریخچه تدوین سیاست های کلی توسط مقام معظم رهبری**

همانگونه که مستحضر هستید سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در اوایل تیر سال ۸۴ توسط مقام معظم رهبری در جهت افزایش ظرفیت اقتصاد ملی و استفاده از ظرفیت بزرگ مردمی و نقش آفرینی آنها، تحقق عدالت اجتماعی، تأمین ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی، افزایش رقابت پذیری، افزایش سهم بخش های تعاونی و خصوصی در اقتصاد ملی، به سران قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد.

### **\*گلایه مقام معظم رهبری از عملکرد ضعیف و غیرمسئولانه دولتها در مورد سیاست های ابلاغی**

متأسفانه شدت ضعف های مکرر در اجرای مطلوب و بهینه آن دستورالعمل شرایط را به جایی رساند که رهبر معظم انقلاب بکرات از نحوه برخورد دولتها با دستورالعمل گلایه کرده اند که آخرین آن اظهار نظر ها، گلایه تند ایشان در دیدار جوانان نخبه کشور با ایشان و در پاسخ به سخنان یکی از جوانان نخبه که معتقد بود اجرای نا مناسب اصل ۴۴ و خصوصی سازی، ناشی از ابلاغیه های سیاست های کلی است، با سخنانی که حاکی نگرانی شان از نحوه اجرای این سیاستها بوده است گفتند: "در قضیه ی اصل ۴۴، تفسیریه، علت نتیجه ی نا مناسب آن نیست. بلکه علت اصلی، عملکردها است و من همواره مهم ترین منتقد آن عملکردها بوده ام و در بسیاری از موارد هم در مقابل اشکالها ایستاده و آنها را باز گردانده ام. آن تفسیر یک نیاز قطعی کشور بود و در همان زمان بسیاری از اساتید و کارشناسان اقتصادی بر ضرورت چنین تفسیری برای اصل ۴۴ تأکید داشتند اما متأسفانه دولتها در این خصوص خوب عمل نکردند و من دائماً پیگیر این موضوع هستم."

### **\*مقام رهبری شخصا پیگیر سیاست های ابلاغی**

یکسال بعد از ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴، مقام معظم رهبری با دغدغه ای که نسبت به چگونگی فهم، اجرا و پیگیری آن توسط متولیان مربوطه داشتند، جلسه ای با حضور همه دست اندرکاران اجرای سیاستهای اصل ۴۴ برگزار کردند. در آن جلسه، طی مطالب تاکیدی، خلاصه‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ را اینطور گفتند:

" این پنج بندی که ما در این سیاستها قرار داده‌ایم - خلاصه‌اش این است: بند «الف»، بند «ب»، بند «ج»، بند «د»، بند «ه». بعضی از این بند ها مثل بند «الف» یا بند «د» به دو بخش تقسیم میشود. خلاصه‌ی این سیاستها عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیر ضرور، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه‌گذار در عرصه‌ی اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون - شرکتهای تعاونی - و چتر گسترده شرکتهای تعاونی بر روی اقشار ضعیف مردم، پرداختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذاری های اجرائی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از این واگذاری در بخشهایی که ذکر شده، و بعد، الزامات دولت در امر واگذاری. این، خلاصه‌ی سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ است."

ابلاغ این سیاستها برداشت های معمول از محدوده اقتصاد ایران و مشخصا حدود نقش آفرینی سه شیوه اقتصادی دولتی، تعاونی و خصوصی را اصلاح کرد. تا قبل از آن خیلی ها گمان می کردند که در قانون اساسی ایران بخش دولتی باید پیشقراول رسمی اقتصاد باشد. اتاق بازرگانی ایران از همان زمان ابلاغ، مصرانه از اجرای مطلوب آن حمایت و به دفعات از مقام معظم رهبری رفع موانعی خصوصی سازی مندرج در بسته اعلامی را خواستار شده و اجرای کامل بسته حمایتی مورد نظر مقام رهبری را در درمان مشکل اقتصادی و خصوصی کردن اقتصاد می دانند.

آنچه مسلم است آنست که در جریان فرآیند خصوصی سازی در ایران، هر یک از بخش های سه گانه مورد اشاره در اصل ۴۴ (دولتی، تعاونی و خصوصی) باید بتوانند در جایگاه خود مطابق ظرفیت و کارکردی که دارند ایفای نقش کنند. یعنی اینکه دست دولت نباید بسته شود تا بتواند حکیمانه به امور زیر ساختی و بستر سازی اقتصاد که باید از منابع عمومی و ملی هزینه شود، پرداخته و با نظارت و مدیریت مقتدرانه از انجام این مهم شانه خالی نکند.

برای افرادی که بخاطر داشتن سرمایه شخصی شان بخش خصوصی تلقی می شوند، امنیت لازم و ثبات در قواعد و قوانین جهت امیدواری و تشویق به سرمایه گذاری (نه سرمایه سالاری) فراهم گردد. مهمتر اینکه لازم است برای اکثریت مردمی که توان و تجربه کافی حضور در اقتصاد را ندارند، همانطور که در جزء دوم اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است بسترهای حمایتی و توانمند سازی آنان در قالب تشکل های حقوقی شیوه تعاون ایجاد، تا توان فکری، جسمی آنان به عنوان سرمایه های اصلی کشور، بکار گرفته شود و ضمن ایجاد گستره مالکیت در کشور به تعبیر رهبری "چشمه جوشان اشتغال" شکل بگیرد. نتیجتاً فاصله طبقاتی و زمینه های عدالت اجتماعی فراهم گردد.

#### **\*بسته سیاست های ابلاغی اصل ۴۴، گزینش مطلوب و یا چالشی نامطلوب برای دولتها**

با توجه به توضیحات فوق، مسجل گردید که سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری به مرور زمان تبدیل به یک چالش خصوصی سازی در اقتصاد ایران تبدیل گردیده است. چالشی که هم دغدغه خاطر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و هم دستگاه قضایی و هم مجموعه های نظارتی کشور و هم اتاق های سه گانه بخش خصوصی به خصوص اتاق بازرگانی ایران قرار گرفته است. هر چند سیاست های اصل ۴۴ به عنوان یک نقطه عطف در مورد خصوصی سازی ایران یاد می شود و بسیاری از کارشناسان معتقد ند بندهای اصلی این سیاستهای ابلاغی بسیار مترقی بوده اما در حوزه اجرا با مشکلات فراوان و عملاً با یک انحراف نسبی مواجه شده است. بررسی اهداف خصوصی سازی، واکاوی دستاوردها و نتایج واگذاریهای گسترده بنگاههای دولتی در ایران، نگاه به آینده و تعیین تکلیف بنگاههای اقتصادی بحران زده از جمله مواردی است که اینجانب تلاش دارم در این نوشتار از زوایای مختلف به ابعاد گوناگون آن بپردازم.

#### **\*نقش نظارتی مجلس و ظرفیت تقنینی موجود جهت اجرای مطلوب سیاست های اصل ۴۴**

پس از جنگ تحمیلی و در دوران مختلف توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به واگذاری بخشی از بنگاه‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی جلب شد اما متأسفانه خصوصی سازی های دولتی به فرزند دولت محوری بنام خصولتی ها منتج گردید که امروزه بسیاری نسبت به خصوصی سازی های انجام شده در دولتهای مختلف معترض‌اند و ریشه انحراف در واگذاریها را به اولین مقطع خصوصی سازی در اقتصاد ایران مرتبط می‌دانند، آیا خصوصی سازی در ایران دوران‌ها و برهه‌های مختلفی را سپری کرده است و با تحولات چشم‌گیر تقنینی، نظارتی و عملکرد مواجه بوده یا شاکله خصوصی سازی در ایران یک مسیر مشخص را طی کرده است؟ آنچه که از عملکرد ادوار مختلف دولت و مجلس بدست می‌آید آن است که ساختار حاکمیت و دولت به گونه‌ای است که دولت طی دهه های مختلف حتی قبل از انقلاب عمده سرمایه‌گذاری های تولیدی را به اتکای درآمد های نفتی در اقصی نقاط کشور انجام داده است، طی چند دهه دولت، مالک صدها بنگاه اقتصادی، تولیدی و... شده است. از طرف دیگر بعد از پیروزی انقلاب مالکیت واحدهایی که صاحبان آنها فرار کرده بودند در اختیار سازمان دولتی صنایع ملی ایران قرار گرفت. بعدتر سازمان توسعه صنایع معدنی در وزارت صنایع ایجاد شد. در نهایت دولتی در سالهای بعد از جنگ شکل گرفته بود که عمده دستگاه ها تعداد زیادی شرکت در زیر مجموعه خود داشتند.

#### \* سازمان خصوصی سازی ، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در اوایل دهه ۷۰ اولین قانون مهم واگذاری سهام به ایثارگران و کارگران تصویب شد. در ادامه یک ستاد به ریاست معاون اول در ریاست جمهوری برای مدیریت آن ایجاد شد. در سال ۱۳۷۵ واگذاری بنگاه‌ها به بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفت، توجه داشته باشیم که در آن دوره بورس خیلی فعال نبود، بر این اساس عمده واگذاری‌ها به روش مذاکره و مزایده محدود شده بود. بررسی ها نشان می‌دهد بخش مهمی از واگذاریها در آن برهه از طریق مذاکره و توافق و تفاهم انجام شده است، همین موضوع باعث شکل‌گیری پرونده های زیادی در دستگاه قضایی کشور شد، همین امر باعث شد مجلس شورای اسلامی برای ورود دقیق‌تر به چالش خصوصی سازی مصمم شود واگذاری ها قانون مند شود.

#### \* در سه برهه خصوصی سازی در ایران چه گذشت؟ / کارخانه‌هایی که مذاکره‌ای به اقوام مسئولان واگذار شد

پس از عبور از دوره اول، در مرحله دوم با ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴، قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ در مجلس تصویب شد، در ادامه نیز سازمان خصوصی سازی به‌عنوان زیر مجموعه وزارت اقتصاد تأسیس شد. در این دوره هر چند روش مزایده برای واگذاری وجود داشت اما با توجه به ضابطه مند شدن و قانون مند شدن واگذاری ها توجه به ساز و کار بورس جدی تر شد. در این دوره هیئت عالی واگذاری متشکل از دستگاه ها و قوای مختلف نیز تشکیل شد، لازم به ذکر است سازمان خصوصی سازی به عنوان سازمان متولی هدایت در هیئت مذکور حضور داشت.

پس از مسلم شدن فساد در خصوصی سازی های انجام شده ، قوه قضائیه با بازداشت رئیس سازمان خصوصی سازی به این مهم ورود کرد که ذیلاً به ذکر آن می پردازم .

#### \* دلایل بازداشت رئیس سازمان خصوصی سازی توسط سازمان بازرسی کل کشور چه بود ؟ چه ارزان فروشی هائی انجام شده است؟

رئیس سازمان خصوصی سازی ایران روز چهارشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۸ به ظن انجام معاملات صوری و ارزان فروشی شرکت های دولتی با دستور قضایی بازداشت شد.

میر علی اشرف عبدالله پوری حسینی در طول عمر ۱۸ ساله سازمان خصوصی سازی ایران برای نزدیک به ۸ سال بر کرسی ریاست هیات عامل این سازمان تکیه زده بود و از این حیث در میان سایر رؤسای آن رکورد دار بود اما چرا مدیریت او در یک سال پایانی جنجالی و انتقاد برانگیز شد؟

او که در سه دولت جمهوری اسلامی یعنی دولت دوم محمد خاتمی و دو دولت حسن روحانی به عنوان معاون وزیر اقتصاد متولی واگذاری سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی به بخش غیر دولتی بود، پیش از بازداشت و از زمستان سال ۱۳۹۷ ممنوع الخروج شده بود.

اقدامی که به نظر می‌رسد در واکنش به نامه دی ماه گذشته ۵۵ نماینده مجلس ایران به رئیس قوه قضائیه در خصوص وقوع «تخلف» در واگذاری شرکت‌های دولتی انجام شده بود.

اسفند ماه ۱۳۹۷ نیز ۲۶ نماینده مجلس ایران در نامه‌ای به وزیر اقتصاد وقت ضمن تاکید بر واگذاری پر ابهام شرکت‌های ماشین سازی تبریز، نیشکر هفت تپه، کشت و صنعت مغان، هیکو، آلومینیوم المهدی و پالایشگاه کرمانشاه خواستار عزل آقای پوری حسینی و معرفی او به دستگاه قضایی شده بودند.

البته او پیش از این و در سال‌های اول روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد برای ارائه پاره‌ای توضیحات در مورد برخی واگذاری‌ها از سوی قوه قضائیه احضار شده بود.

### \* تغییر روش واگذاری شرکت‌های دولتی به چه صورت انجام شده است ؟

هرچند در طول سه دوره ریاست آقای پوری حسینی ترکیب استفاده از روش‌های واگذاری همچون عرضه سهام در بورس، برگزاری مزایده و فروش از طریق مذاکره دچار تحول اساسی شده است. به طوری که سهم عرضه سهام در بازار سهام که کارشناسان از آن به عنوان شفاف‌ترین روش خصوصی یاد می‌کنند، به شدت کاهش یافته و در عوض استفاده از مزایده و مذاکره برای واگذاری‌ها افزایش یافته است. اما مرحله سوم خصوصی سازی در کشور از اواخر سال ۱۳۹۸ کلید خورده است، که در این دوره روش واگذاری به بورس منحصر شده و از سال ۹۸ روش جدید واگذاری از طریق ای تی اف ها نیز در دستور کار قرار گرفت. در این دوره شاهد رشد قابل توجه بازار سرمایه بوده‌ایم. سال ۹۸ یک نقطه عطف در فرایند خصوصی سازی است اما هنوز آثار و تبعات این مرحله جدید در اقتصاد ایران را نمی‌دانیم، بایستی منتظر ماند و نتایج این تغییرات را در اقتصاد ایران و خصوصی سازی بررسی کرد. در بحث آسیب شناسی باید دقت کرد که تعداد قابل توجهی از واحدهای دولتی در سالیان متوالی دهه ۷۰ به روش مذاکره‌ای واگذار شد، یا در موارد زیادی واحدهای اقتصادی مرتبط با دولت به مدیران یا وابستگان آنها با توجه به شناختی که از ارزش واحدهای مذکور داشتند، واگذار شد.

### \* ایراد بزرگ دولت در خصوصی سازی، دولت بدنبال درآمد زیاد است، نه بهره وری

سوابق واگذاری‌های انجام شده توسط دولت نشان می‌دهد که اولین هدف دولت از خصوصی سازی کسب درآمد بوده است، طی سنوات گذشته همواره یک ردیف مشخص برای درآمد دولت از محل واگذاری‌ها پیش‌بینی شده است، هدف دولت می‌تواند موضوع اصلاح ساختار باشد، بر این اساس وظایف حاکمیتی در اختیار دولت باید باقی بماند و وظایف تصدی‌گری به مردم واگذار شود، این در حالی است که در موضوع اصلاح ساختار بایستی تصدی‌گری در اختیار افرادی قرار گیرد که بهتر این وظیفه را انجام دهند. هدف سوم نیز افزایش بهره وری در واحدها و بنگاه‌های تولیدی بوده است. در این حوزه نیز باید دید بنگاه‌ها در اختیار چه کسانی قرار گرفته است که بتوانند بهره وری بنگاه‌های مهم اقتصادی کشور را افزایش دهند.

### \* تفاوت فاحش و انحراف گسترده در اهداف سیاست‌های اصل ۴۴ و عملکرد دولتها

یکی از جدی‌ترین ابهامات در مورد خصوصی سازی‌های انجام شده، واگذاری‌های غیر شفاف و فرا قانونی در سنوات اخیر بوده است، این در حالی است که از سال ۸۴ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شده بود، سؤال جدی که در این جا مطرح می‌شود این است که؛ ارزیابی دقیقی از همخوانی سیاست‌های مذکور با عملکرد دولتها وجود دارد؟ خصوصی سازی در ایران بایستی با اهداف مذکور در سیاست‌های اصل ۴۴ سنجیده شود، نکته اول اینکه در هیچ کجای سیاست‌های مذکور موضوع درآمد زایی و جبران کسری بودجه دولت مطرح نشده است.

بررسی دقیق و جزئی سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و عملکرد دولتها نشان می‌دهد عملاً یک تفاوت فاحش و انحراف گسترده میان سیاستهای ابلاغی و نتیجه ای که امروز با آن مواجه هستیم ایجاد شده است.

بررسی ها نشان می‌دهد عمده اهداف سیاست ها محقق نشده است، آیا خصوصی سازی ها در ایران بر مبنای عدالت اجتماعی و گسترش مالکیت عمومی بوده است؟ آیا ارتقای کارآیی بنگاه‌ها بعد از خصوصی سازی محقق شده است یا شاهد راکد شدن بنگاه‌ها هستیم؟ همچنین باید به این سؤال پاسخ داده شود؛ سهم تعاونی‌ها و اشتغال جدید ایجادشده از محل خصوصی سازی به چه نحوی بوده است؟ بررسی ها نشان می‌دهد سهم تعاونی ها در خصوصی سازی ها بسیار محدود بوده و از طرف دیگر اشتغال بسیاری از بنگاه های واگذارشده با چالش جدی روبه‌رو شده است.

خصوصی سازی یک سیاست زیربنایی و تغییر ساختاری است که قابل مقایسه با سیاستی مثل افزایش نرخ بهره نیست، این تغییر ریل باعث جابه‌جایی ماهوی می‌باشد که به هیچ عنوان نباید نگاه پولی، مالی و درآمدی به آن داشت. در سیاستهای کلی اصل ۴۴ نقش تعاونی بسیار پررنگ است. در بند ب به صراحت به موضوع تعاونی ها و تقویت آنها اشاره شده است. بر اساس سیاستهای مذکور تعاونی های سهامی عام بایستی تشکیل و پشتیبانی می‌شدند اما عملکردی در این حوزه وجود ندارد.

#### **\*ایراد مهم دیگر در خصوصی سازی : ۳۰ درصد درآمد خصوصی سازی باید به محرومان می‌رسید که نرسید**

از سوی دیگر در بحث مصارف درآمدها نیز توجه ویژه‌ای در سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی مد نظر قرار گرفته است، بر این اساس ۳۰ درصد از درآمدهای مذکور بایستی به تعاونی های فراگیر از سه دهک پایین جامعه (اقتشار محروم) تعلق می‌گرفت که اصلاً چنین موضوعی محقق نشده است. آیا در گزارشی اعلام شده است که ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری ها در اختیار اقتشار محروم کشور قرار گرفته است؟ به هیچ عنوان چنین بحثی محقق نشده است.

#### **\*فرآیند خصوصی سازی ناقص انجام میشود و غالباً بنگاه‌های واگذارشده به امان خدا رها شده‌اند**

خصوصی سازی های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که در اکثر موارد ، کارگران را معلق، مزایای آنها را حذف و آنها را به عنوان کارکنان و کارگران موقتی و ارزان در اختیار بنگاه‌ها و شرکت‌ها قرار می‌دهد. کارفرمای جدید دیگر هیچ تعهد اخلاقی جدی به کارگران ندارد و ناکار آمدی دولت را بیش از حد بارز می‌سازد.

شاخص های درآمدی بودجه در سنوات مختلف نشان می‌دهد که سیاست کشاورزی، صنعتی، معدنی و... برای این خصوصی سازی ها و واگذاریها وجود نداشته است و امور واگذاری از یک سیاست مشخص و مدون و حمایتگری تبعیت نکرده و بنگاه‌ها پس از واگذاری به امان خدا رها شده‌اند و این انحراف دوم در خصوصی سازی است که سیاست گذاری مشخصی از سوی دولت برای بنگاه واگذار شده وجود نداشته است و دولت به صرف کسب درآمد از بنگاه های واگذارشده بسنده کرده و در اصل عمده درآمدها صرف جبران کسری بودجه شده است در حالیکه در بسته حمایتی مقام رهبری به کرات تاکید و تکلیف شده است نقش دولت به عنوان پشتیبان تا تحقق اهداف بالای سر بنگاه‌ها باشد.

#### **\*بحران یکی شدن ناظر و مجری از دیگر ایرادات وارده بر خصوصی سازی بنگاه‌های اقتصادی ایران**

سازمان خصوصی سازی تنها یک اپراتور است و نباید نقش سیاست گذار را به عهده داشته باشد، به نظر می‌رسد نقش اصلی سیاست گذاری در این حوزه باید با دستگاه ها و وزارتخانه‌های متولی باشد. به طور خلاصه باید تأکید کرد از سیاست گذاری های فعالانه بخشی که باید اجرا می‌شد غفلت شده است و واگذاری همه چیز به وزارت اقتصاد و سازمان خصوصی اشتباه است، به عبارت ساده‌تر مجری خصوصی سازی نمی‌تواند ناظر بر خصوصی سازی باشد چرا که خودش می‌تواند تخلف کند و از ضوابط مربوطه عدول کند، بر این اساس مجلس و دستگاه های نظارتی بایستی نظارت پیشینی داشته باشند، نباید بعد از تعطیلی بنگاه و اخراج کارگران دستگاه های متولی و نظارتی به موضوع ورود کنند.

#### **\*نقش نظارتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظارت بر خصوصی سازی ها چگونه ارزیابی می‌شود؟**

از حیث تطبیق عملکرد خصوصی سازی با سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام نقش نظارتی به عهده دارد، در سیاست های کلی نیز قید شده است که مجمع در این حوزه نظارت کند. نظارت مجمع راهبردی و عالی است، در این حوزه می تواند نظارت اجرایی و قضایی نیز وجود داشته باشد اما به هر حال به نظر می رسد، افسار نظارت به دولت داده شد.

**\* ولع دولت برای تصاحب منابع کلان حاصل از خصوصی سازی نهادهای نظارتی را حاشیه نشین و مجلس را کم کار کرده است**

تکالیف مقرر در سیاست های ابلاغی به وضوح مشخص کرده است که قبل از هر واگذاری مجلس باید سیاست هر بخش را از دولت تحویل بگیرد و تأیید مجلس دریافت شود که طبق سیاست های کلی قابل اجرا بوده است. در سیاستهای کلی نیز قید شده است اجرای سیاستها نیاز به قوانین جدید دارد یا قوانین موجود دستخوش تغییر شوند. کنار قانون سیاست های کلی قوانین جدید مثل واگذاری زمین، اشتغال و اخراجها، فروش تجهیزات بایستی قاعده گذاری صورت می گرفت تا مطمئن می شدیم چفت و بستهای موضوع خصوصی سازی محکم شده است. اما ولع دولت برای دریافت منابع هنگفت باعث شد کار از دست برود مجلس کم کاری کرد و نهادهای نظارتی در حاشیه قرار گرفتند. بیکاری کارگران یک مسئله زیربنایی است و موضوعی بسیار جدی است، هپکو که یک بخش موفق صنعتی بوده و عملاً سر ریز تکنولوژی آن به واحد های دیگر سر ریز می شد، حالا به مجموعه راکد و تعطیل تبدیل شده است و این رویه به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست.

**\* در حوزه قوانین مربوط به خصوصی سازی ها و واگذاری ها همچنان نقص جدی وجود دارد؟**

قانون اصل ۴۴ حدود ۹۲ ماده دارد و در مجلس دهم نیز یک مرتبه قانون مذکور اصلاح شده است، به نظر می رسد قانون از جامعیت کافی برخوردار است البته برخی از دستورالعمل های مربوطه که در دولت تنظیم شد مشکلاتی داشتند، مثل دستورالعمل تعیین اهلیت خریداران، در نهایت دستورالعمل جدید تهیه شده است و به تصویب هیئت عالی نظارت بر واگذاری ها رسید. وقتی قانون شاکله کلی یک امر را تهیه کرده است دیگر نمی توان برای هر مصداق در مجلس تصمیم گیری کرد. در خصوص نظارت نیز قانون وظیفه ای را رأساً به عهده سازمان خصوصی سازی نگذاشته است بلکه هر اقدامی باید در هیئت عالی واگذاری تصمیم گیری شود. در این هیئت، رئیس اتاق بازرگانی، رئیس اتاق تعاون، وزیر اقتصاد، اعضای ناظر مجلس و اخیراً نمایندگان دادستان کل کشور و همچنین نماینده سازمان برنامه و بودجه برای نظارت بر عملکرد سازمان خصوصی سازی تعیین شده اند. در خصوص تعیین گروه بندی شرکتها هیئت وزیران و هیئت عالی واگذاری تصمیم گیری می کنند و سازمان خصوصی سازی حق رأی در این حوزه ندارد.

**\* به دلیل نقص اطلاعات فنی و کارشناسی و... بین اعضای هیئت واگذاری عملاً پیش نویس های تهیه شده توسط سازمان خصوصی سازی به تأیید هیئت می رسد.**

این ایراد، یک نقص منطقی تلقی می شود چرا که می توان آن را برای هر شورایی متصور بود، به عنوان مثال در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز می توان مدعی شد دبیرخانه شورا هر طرحی بپردازد در شورا تأیید می شود. موضوع اصلی این است که هر فرد که در این شوراها حاضر می شود بابت رأیی که می دهد مسئول است و لازم نیست به مصداق پرونده مربوطه اشاره صریح شود اما هر فردی در این شوراها می نشیند مسئولیت مستقیم دارد، بر این اساس نهادهای نظارتی می توانند مقامات را بابت آراء مؤاخذه کنند. همچنین برای رفع این اشکالات مقرر شده است جلساتی در سطح کارشناسان با حضور نمایندگان اعضای هیئت برگزار شود تا ایرادات مربوطه به حداقل برسد.

**\* از ایرادات خصوصی سازی آنست که نقش مجری در حوزه نظارت در فرایند خصوصی سازی محدود میباشد، بهمین دلیل نقش مجلس و به طور کلی نظارت در مسیر خصوصی سازی و واگذاری بنگاه های اقتصادی محدود بوده است، به عبارت صریح تر آیا سکوت و انفعال که در حوزه اجرا شاهد آن هستیم و عملاً نظارت پسینی است و بعد از وقوع چالش بروز جدی پیدا می کند توانسته است آن طور که باید و شاید در این مسیر مفید باشد؟**

**\* تخلفات آشکار خصوصی سازی نشان می دهد قانون فعلی جامع نیست و نیاز به اصلاح دارد**



نگاهی به تخلفات آشکار و واضح در مورد واگذاریها نشان می‌دهد قانون جامعی در این حوزه وجود ندارد، اگر قانون در این دوره نقص شده است چرا نمایندگان مجلس برای برخورد با نهادهای متولی سکوت کرده بودند؟ به نظر می‌رسد قانون موجود قانون گردی است و می‌توان آن را دور زد و هوشمندانه تنظیم نشده است، چطور امکان دارد در واگذاری یک بنگاه بزرگ در همان ابتدا اعلام می‌شود که واگذاری انجام شده و طبق قانون تجارت با وجودی که هنوز اقساط تکمیل نشده همه مسئولیت تخلف به عهده خریدار و مالک گذاشته می‌شود و هیچ دستگاهی خود را درگیر مسئله نمی‌داند؟ سؤالی که وجود دارد این است که در ۱۰ سال اخیر دستگاه‌های نظارتی و قضایی چرا سکوت کرده بودند؟ این که گفته می‌شود در قوانین مجازاتی برای متخلف دیده نشده است نشان از نقص قانون‌گذاری است.

خوب، در این صورت در قانون طی یک خط بنویسیم دولت مکلف است واگذاری انجام دهد و تنظیم آیین نامه‌ها و دستورالعملها را به عهده دستگاه‌های اجرایی دولتی بدانیم، حتی گاهی دیده می‌شود آیین‌نامه اجرایی دولت، قانون مجلس را نقض می‌کند، به نظر می‌رسد قانون‌گذاری باید هوشمندانه تر باشد، متأسفانه در اینجا با قانون دانان قانون‌گریز مواجه شده‌ایم.

### **\* سکوت مجلس در تدوین آیین نامه های خصوصی سازی ؛ از ایرادات عمده واگذاری ها**

توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که اساسنامه برخی شرکتهای دولتی باید در مجلس تصویب شود و در خصوصی‌سازی نیز می‌توانستیم از همین رویه استفاده کنیم، به‌عنوان مثال در خصوص صنعت ماشین‌سازی سنگین دولت باید در مورد رویه خود تأییدیه می‌گرفت. این موضوع ارتباطی با سیاست‌گذاری تک به تک برای هر واحد ندارد. امروز واگذاری انجام می‌شود، دولت خلع ید می‌شود و می‌گوییم هرچه مالک گفت؛ به نظر می‌رسد در صورت کاهش رقابت پذیری، کاهش صادرات و کاهش اشتغال یک نقص جدی وجود دارد. اگر مگر سیاست کلی اصل ۴۴ را مدنظر قرار می‌دادیم و با وسواس قانون‌گذاری می‌کردیم مسیر تخلفات بسیار سخت می‌شد. در اینجا نقش و کم‌کاری اصلی با مجلس است، به هر حال چالش اصلی این است که نظارت مجلس و دیوان محاسبات در موضوعات مختلف باید مشخص شود که یک نظارتی پیشینی است یا نظارت پسینی.

### **\* خلاهای قانونی ، اجرای صحیح اصل ۴۴ را دچار انحراف نموده است / پیگیری برای اصلاح قانون سیاستهای اصل ۴۴ در مجلس یازدهم**

صرف اطلاعات شرکت‌هایی که در لیست واگذاری قرار می‌گیرند یک رانت ارزشمند و یک گنج دولتی است که همراه با امضاءهای پلائی به افرادی خاص واگذار می‌شود. مقامات دولتی از همان ابتدای واگذاری که این طرف میز می‌نشینند در همان زمانی که دارند به واگذاری می‌اندیشند به افراد پشت پرده آن سوی میز کاملاً اشراف اطلاعاتی دارند یک مسئله و چالش جدی قلمداد می‌شود، اما از طرف دیگر خود دولت در موضوع واگذاری یک ذی‌نفع است در اینجا مجلس باید مانع این افسار گسیختگی در حوزه واگذاری‌ها می‌شد. متأسفانه قانون در خیلی از موارد خلأ دارد یا سکوت کرده است. تخلفات به حدی رسیده است که نمی‌توان عنوان استثناء را بر آن گذاشت، یک سرچالش مربوط به قانون‌گذاری است، البته که سیستم اجرایی و دولت نقص جدی داشته است. همچنین دستگاه‌های نظارتی با توجه به اشراف اطلاعاتی بیشتری که نسبت به اعضای هیئت واگذاری دارند هم می‌توانستند فعال‌تر اقدام کنند.

آنچه ضرورت دارد آن است که مجلس یازدهم اصلاحاتی در قانون موجود لحاظ کنند تا چالشهای اصلی آن رفع و قوانین جدید مرتبط با خصوصی‌سازی باید هوشمندانه طراحی می‌شدند تا دور زدن آنها محدود شود، از طرف دیگر سیاستهای بخشی از سوی دولت به مجلس ارائه و با تأییدیه مجلس گام به گام واگذاری انجام می‌شد، باید تأکید کرد سکوت قانون در برخی موارد چالش جدی در مورد واگذاریها ایجاد کرده است.

### **\* خصوصی سازی یا خصوصی بازی ؟ کدام در کشور اجرا شده است ؟**

بر هیچکس پوشیده نیست که اقتصاد ایران بیمار است و برخی تحریم‌ها را دلیل این بیماری و افزایش نرخ تورم در جامعه می‌دانند، اما به باور برخی دیگر از کارشناسان، که سفت و محکم پای حرف شان ایستاده‌اند، تحریم‌ها با همه مشکلاتی که برای کشور به

همراه داشته، نوعی خود باوری و پیشرانی در حوزه‌های مختلف را به ارمغان آورده و ایران را به نوعی بی‌نیاز از نفت کرده است. اما واقعا مشکلات اقتصادی کشور ناشی از تحریم‌های خارجی است. اگر صحبت‌های کارشناسان را مرور کنیم به پاسخ «خیر» خواهیم رسید. پاسخی که در پس صدها سوال بی پاسخ دیگر در ارتباط با عملکرد اقتصادی دولت‌ها، توان آنها برای کم کردن هزینه‌های جاری‌شان، اصل نیمه تمام ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی که به خصوصی سازی تبدیل شده و... نهفته است که منجر به رکود اقتصادی و افزایش روز افزون نرخ تورم در جامعه شده است.

آنچه مسلم است عملکرد ناقص خصوصی سازی و سیاست‌های دیوان سالارانه دولت باعث شده که قفلی بر در عریض و طویل مشکلات اقتصادی بزنند که با «کلید» دولت یازدهم و دوازدهم نیز نه تنها باز نشد بلکه گره اقتصاد بعلت تصمیمات غیر کارشناسی روز بروز کورتر گردید.

### \*تأثیر تحریم‌ها بر خصوصی سازی

اینکه تحریم‌ها مشکلاتی را به مردم، دولت و کشور تحمیل کرده و نباید صرفا نگاهی یک جانبه به آن داشت. وجه مثبت تحریم‌ها این بوده که به اقتصاد ما در حوزه نفت کمک و فعالیت در حوزه‌های دیگر را توجیه پذیر کرده است. کشور ما به دلیل الزام و محدودیت‌هایی که داشته، توانسته است فعالیت در حوزه‌های مولد را آغاز کند و از بازارهای خارجی، ارز و درآمد داشته باشد. کشور از حیث بخش‌های مختلف توسعه پیدا کرده است. نفت را به فرآورده‌هایی با ارزش افزوده بیشتر تبدیل کرده‌ایم. همچنین توسعه تکنولوژی و فناوری رخ داده و در این راستا مهندسان و پیمانکاران کشور را برای حضور در بازارهای بین‌المللی تشویق شده‌اند. رفته‌رفته با گذر زمان با انباشت سرمایه‌ای که در شرکت‌های پیمانکاری ایجاد شده، به آنها قدرت داده تا بتوانند حضور قدرتمندی در بازارهای خارجی داشته باشند. امروز نفت به‌عنوان تنها پیشران اقتصادی در کشور ما مطرح نیست و کشور دارای بیش از ۱۰ پیشران اقتصادی است که تقریبا نفت به عنوان عنصری کمکی دیده می‌شود. از جمله در بحث‌های فنی و مهندسی و توان مهندسی به عنوان یکی از پیشران‌های اقتصادی کشور مطرح می‌شود. این پدیده که دولت را از دولت پاروزن به دولتی سکاندار در بخشی به موضوع محوریت نفت تبدیل نموده است به یک تصمیم حاکمیتی برای خصوصی سازی نهاده‌های دولتی تبدیل کرده است.

\*حرکت کند لاک پشتی عامل زمینگیر شدن خصوصی سازی در کشور

هرچند اصل ۴۴ قانون اساسی از اصول مترقی نظام است که اگر این قانون سریع و صحیح اجرا می شد گذشته از بار اقتصادی مثبت، بار اجتماعی مطلوبی نیز برای کشور ایجاد می کرد. یکی از وجوه این اصل ریال قدرتمند شدن بخش خصوصی در عرصه اقتصاد کشور است. یک برش از اقتصاد ایران، اقتصاد بخش خصوصی است و برش دیگر، اقتصاد بخش تعاونی‌هاست که اگر کشور موفق می‌شد و در برنامه سوم توسعه به شکل مطلوب عملیاتی می‌شد، ما امروز رضایتمندی اجتماعی بالا و مطلوبی داشتیم. در کشور ما اقتصاد دانان خوبی حضور دارند که قواعد آن را به خوبی می‌دانند، اما تاکنون به درستی از تجارب آنها استفاده و این اصل اجرا نشده است. در مصاحبه‌ای یکی از مدیران بانک مرکزی گفته بود اگر خصوصی‌سازی با این آهنگ پیش برود ماطی ۱۵۰۰ سال، شاهد واگذاری شرکت‌هایی که برای انتقال به بخش خصوصی الزام پیدا کرده‌اند، خواهیم بود! این طنز تلخی است. فرآیند اقتصادی که منافع ملی دارد (یعنی دو وجه منفعت حکومت و منافع مردم در آن دیده می‌شود) اتفاق نمی‌افتد و حجم بزرگی از منافع مردم و حاکمیت محقق نمی‌شود، فقط در سایه استقرار مطلوب اصل ۴۴ این امر امکان‌پذیر است. در ادامه این بحث باید تاکید کنیم همان بحث حرکت دولت پاروزن به دولت سکاندار، یکی از اهداف اصلی اجرای اصل ۴۴ است. اگر بتوانیم این اصل را به خوبی پیاده کنیم به طور طبیعی به اهداف بسیار ارزنده اقتصادی و اجتماعی دست پیدا می‌کنیم که به رشد و اقتدار در سطح اعتماد ملی منجر می‌شود و نتایج بسیار درخشانی به همراه دارد. یکی از الزامات این کار این است که قوای سه‌گانه (دولت، مجلس و قوه قضائیه) با هم و در فرآیندی هماهنگ جلو بروند. نه اینکه دولت در فرآیندی، خصوصی‌سازی را به عنوان ماموریت در فرآیند محوری دولت قلمداد کرده و سپس در فرآیند نظارت دستگاه قضا آن را اصلاح کند و مجلس در فرآیندی حس کند باید نسبت به اصلاح آن اقدام کند. بنابراین هماهنگی و هم‌روندگی سه قوا برای اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی نیاز است. در دولت آقایان احمدی‌نژاد و روحانی هر دو توفیقاتی جدی

در دستیابی به اهداف اصل ۴۴ نداشتند و به نظر من عدم فراهم شدن الزامات که همکاری و هماهنگی سه قوه با هم بود، وجود نداشت.

### \*بدهی حجیم دولت، عامل بی رغبتی به خصوصی سازیست

یکی از موضوعاتی که در مورد دولت ها وجود داشته و دارد، بدهی انباشته شده دولت به بانک ها و بانک مرکزی است. این موارد به دلیل تورم و کسری بودجه و نتیجه تحریم و... است که بارها به آن اشاره کرده ایم. برای کاهش این بدهی ها چه اقداماتی باید انجام داد؟

اولین چیزی که وجود دارد این است که باید وجود چنین اتفاقی را به درستی متوجه شویم که کسری بودجه با وجود دولتی بزرگ طبیعی است که رخ دهد. این کسری بودجه ناشی از رشد نقدینگی است و این موضوع نیز حاصل از تورم؛ در نتیجه تورم است که بر مردم فشار وارد می کند. باید بتوانیم این فرآیند را کنترل کرده و از بزرگی و فربه بودن دولت بکاهیم و به سمت کوچک شدن دولت پیش برویم. حلقه آخر این زنجیره هم مردم هستند که دیگر هزینه بزرگ بودن دولت را نمی دهند. به نظر من پرداختن به پارامترهای فرعی به نوعی به دلیل غافل شدن از اصل موضوع است؛ بنابراین دولت ها باید کارآمد، چابک و کوچک شوند.

### \*نگاه اصل ۴۴ به بازرگانی خارجی و صادرات و واردات و ضرورت بازنگری در این نگاه

یکی از موارد در اصل ۴۴ قانون اساسی «بازرگانی خارجی» است. بازرگانی خارجی یعنی کلیه امور واردات و صادرات، مطابق این اصل به دولت سپرده شده است. ولی همانطور که می بینیم هیچ گاه این اتفاق نیفتاد و عملاً از همان اوایل اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی، مسوولان امر به این نتیجه رسیدند که وسعت نیاز صادرات و واردات کشور بیشتر از حد توان اجرایی و اطلاعاتی دولت است و اساساً خیلی از آنها باید توسط ساز و کار بازار و توسط بخش خصوصی انجام شود. بنابراین با استفاده از اختیارات ذیل اصل ۴۴، بازرگانی خارجی، در مورد خیلی از کالاها به بخش خصوصی واگذار گردید.

آنچنان که از شواهد پیدا است، بازرگانی خارجی اولین موردی بوده است که عدم امکان انجام آن به صورت دولتی مشخص شده و تدابیری برای سپردن آن به بخش غیردولتی اندیشیده شده است. این تدابیر به زمانی بازمی گردد که هنوز شورای انقلاب قانون اساسی اختیارات لازم را داشته است. ظاهراً در آن زمان اختلالات قابل توجهی در فرآیند صادرات و واردات و تامین نیازهای جامعه از طریق آن به وجود آمده بود و مسوولان وقت چاره ای جز سپردن آن به بخش غیردولتی نیافتند

مصوبه شماره ۱۳۱۴۸ شورای انقلاب، مصوب ۵۹/۳/۱۱ تحت عنوان «لایحه قانونی راجع به اجازه خرید از خارج از کشور برای رفع بحران و کمبود کالاهای اساسی و پایین آوردن قیمت ها» را می توان اولین مورد استفاده از انعطاف ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی بعد از تصویب قانون اساسی دانست. یعنی تقریباً ۳ ماه پس از ابلاغ شدن قانون اساسی جمهوری اسلامی، یکی از موارد ذکر شده در صدر اصل ۴۴ به خاطر اختیار داده شده در ذیل این اصل، به بخش خصوصی تفویض گردید.

### \* بررسی موانع قضایی موجود در مسیر تحقق سیاستهای اصل ۴۴

هرچند می بایست از اهتمام ریاست محترم قوه قضائیه به ایفای نقش فعال در اجرای سیاستهای اصل ۴۴ تمجید نمود، اما حق است که در مقابل از نگاه تنگ نظرانه بعضی از قضات که با آراء خود خصوصی سازی را محدود و مغلوب آراء خود کردند گلایه کرد. متأسفانه صدور احکام قضایی در ابطال واگذاری ها و همچنین ایجاد تشکیک در صحت و سلامت بعضی از واگذاری ها موجب گردیده است که اعتماد بخش خصوصی در سرمایه گذاری و مشارکت در خرید واحدهای صنعتی و تولیدی موضوع واگذاری ها مخدوش گردد. لازم است که مسوولان محترم و به خصوص مراجع قضایی در اظهار نظر نسبت به واگذاری های انجام شده و همچنین صدور احکام نسبت به آنها دقت و تأمل و احتیاط بیشتری داشته باشند که خدایی ناکرده موجب بی اعتمادی سرمایه گذاران به اعتبار و رسمیت قراردادهای واگذاری نگردد. تردیدی نیست که صحت و سلامت واگذاری ها از اصلی ترین اصول خصوصی سازی می باشد، لیکن لازم است که فرآیند مشخص و معینی تدوین شده که طی آن اهلیت مالی تجربی و تخصصی خریداران کاملاً مشخص و محرز شده و همچنین ساز و کار مشخصی نیز تعیین گردد که خریداران ملزم به ارائه برنامه اجرایی و زمانبندی مشخص و قابل سنجش و

ارزیابی جهت اداره واحد خریداری شده ارائه نمایند که صرفاً در صورت تخلف از اجرای برنامه موصوف امکان تجدیدنظر در قرارداد واگذاری فراهم باشد.

ضمن آنکه قوه قضائیه می بایست با آموزش قضات، اقدام موثری در جهت رسیدگی دقیق به پرونده های ناشی از اصل ۴۴ را آغاز نموده و با تاکید بر ضرورت توسعه نظارت و بازرسی به عنوان لازمه حمایت از سرمایه گذاری، آرای صادره در پرونده های اقتصادی بصورت نظام مند تدوین و منتشر که انتشار آن آراء تاثیر بایسته ای در سالم سازی فضای محاکم حقوقی و قضائی خواهد داشت و علاوه بر اینکه موجب حساسیت و تشویق قضات در صدور رای مستند و مبتنی بر قانون و انصاف و عدالت می گردد، ضمن اینکه ماخذ و مرجع مناسبی نیز برای استفاده اهالی فن و خصوصاً سایر قضات در پرونده های مشابه خواهد بود.

**\*ضرورت همسویی سایر قوانین با سیاستهای کلی اصل ۴۴ به عنوان یکی از ابزارهای موفقیت در اجرای این سیاستها**  
یکی از چالشهای اساسی اجرای سیاستهای اصل ۴۴ در بحث مبانی، فقدان نگاه واحد در تطبیق سایر اصول قانون اساسی با سیاست های این اصل است و قویاً ایجاد نهضت بازنگری و تنقیح قوانین عادی با توجه به سیاستهای اصل ۴۴ احساس میشود ضمن آنکه توجه به اهمیت تامین امنیت برای سرمایه گذاری مشروع و مولد و ایجاد تعاملات میان اتاق بازرگانی و قوه قضائیه بطور چشمگیری در حال افزایش است و آثار این روابط در حضور حضرت آیت الله رئیسی در تاریخ چهارشنبه پنجم خرداد ماه ۱۴۰۰ در اتاق بازرگانی ایران و تاکید مکرر ایشان به توجه به خصوصی سازی از مهمترین گام ها در این رابطه می باشد.

### کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات

مشکلات	متن حکم
این تبصره به موجب قانون اصلاح مواد ۳، ۶ و ۲۴ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران -مصوب ۱۳۹۵/۶/۷ مجلس شورای اسلامی به دولت ابلاغ شد. طبق این تبصره مقرر شده بود که ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، آیین نامه آن توسط وزارتخانه های «امور اقتصادی و دارایی» و «صنعت، معدن و تجارت» تهیه شود و به تصویب هیأت وزیران برسد. همچنین مقرر شده بود که مصادیق صنایع پیشرفته با فناوری بالا و صنایع خطرپذیر به موجب این آیین نامه تعیین شود. اما آیین نامه مذکور با گذشت نزدیک به ۵ سال تاکنون تصویب نشده است.	تبصره (۳) بند(الف) ماده(۳) قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ (چهارم) قانون اساسی: تبصره ۳- دولت می تواند از طریق سازمان های توسعه ای پس از فراخوان عمومی از سوی وزارتخانه یا شرکت مادر تخصصی ذی ربط و احراز عدم تمایل بخشهای غیردولتی برای سرمایه گذاری بدون مشارکت دولت، در طرحهای اقتصادی موضوع فعالیت های گروه یک ماده (۲) این قانون در مناطق کمترتوسعه یافته و یا در صنایع پیشرفته با فناوری بالا و یا صنایع خطرپذیر در کلیه مناطق کشور به سرمایه گذاری مشترک با بخشهای غیردولتی اقدام کند. در صورتی که پس از اعلان فراخوان عمومی محرز شود که بخشهای غیردولتی تمایلی به سرمایه گذاری در طرحهای مورد نظر را به هر میزان ندارند، سازمان های توسعه ای می توانند نسبت به سرمایه گذاری در طرح مورد نظر تا صددرصد(۱۰۰٪) اقدام کنند. هیأت وزیران موظف است مشخصات طرحهای موضوع این تبصره را که قبل از فراخوان عمومی توسط وزارتخانه ذی ربط پیشنهاد می شود حداکثر ظرف مدت چهل و پنج روز به تصویب برساند. مصادیق صنایع پیشرفته با فناوری بالا و صنایع خطرپذیر به موجب آیین نامه ای تعیین می شود که ظرف مدت سه
۱- مصادیق صنایع پیشرفته با فناوری بالا و صنایع خطرپذیر مشخص نیست،	
۲- مرجع تشخیص دهنده اینکه یک طرح یا پروژه جزء صنایع پیشرفته با فناوری بالا و صنایع خطرپذیر محسوب می شود، مشخص نیست.	
۳- اگر یک وزارتخانه یا دستگاه دولتی با توجه اینکه یک طرح یا پروژه ای جزء صنایع پیشرفته با فناوری بالا و صنایع خطرپذیر	



محسوب می شود مانع واگذاری آن به بخش خصوصی شود و بخواهد خودش آنرا اجرا کند در اینصورت کدام سازمان حاکمیتی مرجع رسیدگی به این موضوع است. نمونه موجود، توجیه اولیه برای اجرای پروژه فیبرنوری به منازل (FTTH) توسط دولت.

۴- حکم این تبصره در مورد سرمایه گذاری های جدید تا پایان برنامه ششم توسعه اعتبار دارد و این زمان رو به پایان است و هنوز برای ادامه آن تصمیم گیری نشده است.

۵- ضمانت های اجرایی قانونی برای اجرای این تبصره تعیین نشده است.

ماه از تاریخ ابلاغ این قانون توسط وزارتخانه های «امور اقتصادی و دارایی» و «صنعت، معدن و تجارت» تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

دولت مکلف است طرحهای موضوع این تبصره را به منظور فراخوان عمومی در یک پایگاه اطلاع رسانی (که در آن نام سازمان توسعه ای مربوطه، موضوع طرح، محل اجرای طرح به تفکیک استان، شهرستان و مراحل پیشرفت طرح که در اجراء مشخص می شود) به اطلاع عموم برساند. حداکثر مدت زمان لازم برای فراخوان عمومی و بررسی طرحهای موضوع این تبصره سه ماه از زمان ثبت مشخصات طرح در پایگاه اطلاع رسانی می باشد.

سهام یا قدرالسهم دولتی ناشی از این نوع سرمایه گذاری باید در قالب بنگاه جدید حداکثر ظرف مدت سه سال پس از اخذ پروانه بهره برداری با رعایت مقررات این قانون واگذار شود. عدم واگذاری بنگاه، در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب می شود.

دولت مکلف است سهم سازمان های توسعه ای از اعتبارات موضوع تبصره (۷) این ماده و بخشی از اعتبارات موضوع بندهای (۳)، (۵) و (۷) ماده (۲۹) این قانون را در ردیفهای مستقل و مشخص بودجه سالانه کل کشور درج و به سازمان های توسعه ای به منظور تحقق اهداف این تبصره، پرداخت کند.

دولت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور) موظف است فهرست و مشخصات این طرحها و سرمایه گذاری ها را همه ساله به صورت جداگانه و پیوست لوایح بودجه سنواتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

حکم این تبصره در مورد سرمایه گذاری های جدید تا پایان برنامه ششم توسعه اعتبار دارد.